

مجموعه مقالات
نهمین همایش
زبان‌شناسی ایران



جلد اول

به کوشش:
محمد دبیر مقدم

فرهنگستان زبان و آداب فارسی



دانشگاه علامه طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات
نهمین
همایش زبان‌شناسی ایران
(جلد اول)

به کوشش
دکتر محمد دبیرمقدم



انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
چاپ اول ۱۳۹۳

سرشناسه	: همایش زبان‌شناسی ایران (نهمین : ۱۳۹۳ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران / به کوشش محمد دبیرمقدم . زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه [علامه طباطبائی].
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	: ج.
فروست	: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ (۱) ۳۳۱
شابک	: دوره ۷-۱۴۷-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸ : ۴-۱۴۸-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸ : ۴۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: زبان‌شناسی - کنگره‌ها
شناسه افزوده	: دبیرمقدم، محمد، گردآورنده
شناسه افزوده	: دانشگاه علامه طباطبائی
شناسه افزوده	: دانشگاه علامه طباطبائی. معاونت پژوهشی
رده بندی کنگره	: P ۲۳/۵۸ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۴۱۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۰۶۹۵۶۷



انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

شماره نشر (۱) ۳۳۱

دوره دوجلدی: ۷-۱۴۷-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک جلد اول: ۴-۱۴۸-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸

مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران (جلد اول)

به قلم گروهی از مؤلفان

به کوشش:

دکتر محمد دبیرمقدم

زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه

چاپ اول: ۱۳۹۳ شماره‌گان: ۳۵۰ ناظر فنی: مهندس رضا دنیوی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

حق چاپ برای دانشگاه علامه طباطبائی محفوظ است. قیمت (دوره دو جلدی): ۴۰۰۰۰۰ ریال

سازمان مرکزی: تهران دهکده المپیک، تقاطع شهید همت، جنب پارک فرهنگ، صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷

- ۱۶۵ بررسی فرآیند واقعیت‌گریزی در زبان خودکار فارسی
- ۱۸۱ سهیلا ایزدی
- ۱۹۵ بررسی ساخت دو مفعولی گویش اشتهاردی
- راحله ایزدی‌فر
- ۲۱۷ کارکرد وجهی زمان دستوری گذشته در افعال قرآن مجید
- محمود ایمانی
- حذف در گفتار کودکان ۲-۵ ساله فارسی‌زبان: رویکردی واج‌شناختی بر پایه نظریه بهینگی
- ۲۳۹ آسیه ایمانی - بتول علی‌نژاد
- بررسی دستوری‌شدگی حرف اضافه مکانی "Gaed" در گویش شوشتری
- ۲۴۹ مریم بابااحمدی امانی
- حرف اضافه یا اسم جایگاه‌نما؟
- ۲۶۵ پارسا بامشادی - شادی انصاریان
- بررسی تأثیر واژه‌های مورد استفاده در کتاب داستان بر فراگیری زبان اول
- پریسا بخشنده - مریم ایرجی
- ۲۸۳ بررسی تأثیر دوزبانگی بر انتخاب پیش‌نمونه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی
- ابراهیم بدخشان - ناصر عباسی
- ۲۹۹ محدودیت‌های حاکم بر ترکیب صفت و همکرد در زبان فارسی
- حسن برزگر
- ۳۱۷ نمایه‌سازی مفعول صریح و جان‌داری
- فاطمه بهرامی
- ۳۳۳ مقایسه رابطه میان ویژگی‌های صوتی با بیان احساسات در گفتار و موسیقی
- زینب پورآقا - فرشته مومنی - پویا سرایی
- ۳۵۵ مکانی‌شدگی مفهوم زمان در قرآن
- شیرین پورابراهیم - فاطمه نعمتی
- ۳۶۷ رفتارهای واجی - آوایی پیشوند "می -" در ساخت فعلی در شهرضایی
- محمدحسن ترابی - سیامک صاحبی

بررسی ساخت‌های دومفعولی گویش اشتهاردی

راحله ایزدی‌فر*

چکیده

در سال‌های اخیر، بررسی ساخت‌های دومفعولی در بسیاری از زبان‌های جهان انجام گرفته که نشان می‌دهد رفتار صرفی - نحوی مشابهی در این ساخت‌ها وجود دارد. این ساخت‌ها حاوی فعل دومفعولی هستند و علاوه بر موضوع عامل (agent) به دو موضوع کنش‌رو (theme) و بهره‌ور (recipient) نیز نیاز دارند. رایج‌ترین فعل‌های دومفعولی شامل انتقال فیزیکی همچون "دادن"، "قرض‌دادن"، "فروختن"، "برگرداندن" هستند که در آنها عامل سبب می‌شود شیئی به مالکیت یک دریافت‌کننده جاندار منتقل شود. افعال انتقال ذهنی همچون "نشان‌دادن" و "گفتن" از دیگر افعال دومفعولی رایج محسوب می‌شوند. در ایر (۱۹۸۶) نخستین بار اظهار داشت که رابطه بین دو موضوع مفعولی در بندهای دومفعولی را می‌توان با توجه به مفعول فعل متعدی بررسی کرد و بسته به اینکه یک زبان با کدام یک از موضوع‌های بهره‌ور یا کنش‌رو همچون مفعول فعل متعدی رفتار می‌کند، چندین الگوی انطباق در زبان‌های جهان مشاهده می‌شود. برخی زبان‌ها رفتار یکسانی بین کنش‌رو و مفعول فعل متعدی قائل هستند و برخی دیگر، بهره‌ور را همچون مفعول فعل متعدی قلمداد می‌کنند. گرچه ساخت‌های دومفعولی در بسیاری از زبان‌های جهان بررسی شده‌اند، با این حال تاکنون تحقیقات اندکی در مورد این ساخت‌ها در زبان‌های ایرانی انجام گرفته که عمدتاً در مورد زبان فارسی بوده‌اند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی افعال دومفعولی و تعیین انواع ساخت‌های دومفعولی در گویش اشتهاردی است تا مشخص شود گویش اشتهاردی از کدام یک از راهکارهای رایج در ساخت‌های دومفعولی زبان‌های جهان همچون حالت‌نمایی، استفاده از حروف اضافه، مطابقه یا توالی کلمات برای نشان‌دادن رابطه بین موضوع‌ها در ساخت‌های دومفعولی بهره می‌برد. اشتهاردی از گویش‌های تاتی به شمار می‌رود و هم‌اکنون در شهر اشتهارد در استان البرز رایج است. بررسی داده‌های

اشتہاردی نشان می‌دهد که این گویش در جمله‌های دارای فعل متعدی و دومفعولی ساخته‌شده با ستاک حال از انطباق فاعلی - مفعولی و در جمله‌های دارای فعل متعدی و دومفعولی ساخته‌شده با ستاک گذشته از انطباق کنایی - مطلق برای نشان‌دادن نقش موضوع‌های فعلی بهره می‌برد. در جمله‌های دومفعولی حال و گذشته، از شیوه حالت‌نمایی برای نشان‌دادن نقش سه موضوع فعلی استفاده می‌شود. کلیدواژه‌ها: اشتہاردی، بهره‌ور، ساخت‌های دومفعولی، عامل، کنش‌رو

۱. مقدمه

گرچه گویش‌های تاتی ویژگی‌های کهن زیادی را تا امروز حفظ کرده‌اند و اکنون در اثر گرایش کم جوانان به استفاده از زبان بومی خود، این گویش‌ها در معرض خطر نابودی هستند، بیشتر آنها هنوز مستندسازی نشده‌اند و مطالعات اندکی در مورد آنها انجام گرفته است. تحقیقات اندکی در مورد ساخت‌های دومفعولی در زبان‌های ایرانی انجام شده که اغلب به زبان فارسی اختصاص دارد. موییدی و لطفی (۱۳۹۲) و واعظی (۱۳۹۳) از جمله این تحقیقات می‌باشند. استیلو (۲۰۱۰) نیز به بررسی ساخت‌های دومفعولی در گویش وفسی پرداخته است. از آنجا که تاکنون تحقیقی پیرامون ساخت‌های دومفعولی اشتہاردی انجام نشده است، این گویش برای تحقیق کنونی انتخاب شده است. تحلیل ساخت‌های دومفعولی در تحقیق کنونی بر مبنای تحلیل ساخت‌های دومفعولی در هسپلمت (۲۰۰۵) و مالچوکو، هسپلمت و کامری (۲۰۱۰) می‌باشد.

مواد زبانی مورد نیاز این مقاله در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۳ به روش میدانی گردآوری شده و جمله‌های این مقاله در مصاحبه با گویش‌وران تات ثبت شده است^۱ و علاوه بر آن از منابع کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است.

این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است؛ پس از مقدمه در بخش دوم به مرور مطالعات پیشین در مورد ساخت‌های دومفعولی پرداخته‌ایم. بخش سوم به بررسی داده‌های گویش اشتہاردی اختصاص دارد و بخش چهارم نتیجه‌گیری است.

۱- از آقایان مهدی خلیج، علیرضا خلیج، حمید ترابی، ابوالفضل سولی‌بیگ و خانم‌ها ملوک گنجی و شیرین قصابی گویشوران اشتہاردی که در جمع‌آوری داده‌های زبانی این مقاله، اینجانب را یاری کرده‌اند، بسیار سپاس گزارم.

۲. مبانی نظری پژوهش

بر اساس مالچوکو، هسپلمت و کامری (۲۰۱۰)، ساخت دومفعولی^۱ ساختی است که شامل یک فعل دومفعولی^۲، یک موضوع عامل^۳، یک موضوع بهره‌ور^۴ و یک موضوع کنش‌رو^۵ می‌باشد. نمونه‌ای از ساخت‌های دومفعولی در مثال‌های (۱) نشان داده شده است (همو: ۱).

۱). a. انگلیسی

Mary gave John a pen.
A R T

"مری به جان یک خودکار داد."

b. یونانی نو

O Pétr-os éstile tis María-s ta
xrímata. the.NOM Petros-NOM sent the.GEN Maria-
GEN the.ACC money.ACC R T
A

"Petros sent Maria the money."

تعریفی که مالچوکو، هسپلمت و کامری (۲۰۱۰) از ساخت دومفعولی دارند تعریفی معنابینا است و بر پایه معنای ساخت‌ها می‌باشد، از این رو بیان صوری موضوع‌ها در اینجا مطرح نیست. بر این اساس، این شیوه تعریف ابزار عملی مناسبی برای بررسی این ساخت‌ها در میان زبان‌های مختلف فراهم می‌آورد. همانطور که ساخت‌های متعددی نمونه ساخت‌های دوموضوعی هستند، ساخت‌های دومفعولی نیز نمونه ساخت‌های سه‌موضوعی به شمار می‌روند. دیگر ساخت‌های سه‌موضوعی که در آنها موضوع‌های غیرعامل شامل موضوع‌های بهره‌ور و کنش‌رو نمی‌باشند (همچون "من خودکار را در درون جعبه قرار دادم"، "آنها وی را متهم به سرقت کردند"، "آنان یک روبات را جایگزین او کردند"، "آنان او را مریم نامیدند") در گروه ساخت‌های دومفعولی قرار نمی‌گیرند.

رایج‌ترین ساخت‌های دومفعولی شامل فعل انتقال فیزیکی همچون "دادن"، "قرض-دادن"، "فروختن"، و "بازگرداندن" هستند و رویدادی را توصیف می‌کنند که در آن عامل سبب می‌شود مفعول به مالکیت یک دریافت‌کننده جاندار (بهره‌ور) منتقل شود. در بیشتر زبان‌ها افعالی که به معنای انتقال ذهنی همچون "نشان‌دادن" و "گفتن" هستند نیز دارای رفتار مشابهی با گروه افعال انتقال فیزیکی هستند؛ از این رو این فعل‌ها نیز در تعریف

- 1- ditransitive construction
- 2- ditransitive verb
- 3- agent argument (A)
- 4- recipient-like argument (R)
- 5- theme argument (T)

افعال دومفعولی گنجانده شده‌اند. فعل‌های دیگری همچون "تعارف کردن"، "واگذار کردن"، "وقف کردن" و "قول دادن" از دیگر فعل‌های دو مفعولی محسوب می‌شوند.

فعل‌های دو مفعولی در تمام زبان‌ها تعداد کمتری نسبت به فعل‌های متعدی دارند و رفتار زبانی فعل‌های دو مفعولی یک زبان لزوماً یکسان و مشابه نیست. از این رو، الزاماً تنها یک ساخت دو مفعولی در یک زبان وجود ندارد و ممکن است هر گروه از ساخت‌های دو مفعولی یک زبان دارای رفتار متفاوتی باشند.

مفهوم انطباق به شیوه‌های مختلف مورد استفاده زبان‌های مختلف در ساخت‌های متعدی و دو مفعولی اشاره دارد. این مفهوم برای مقایسه خصوصیات موضوع‌ها در این ساخت‌ها به کار می‌رود. ساخت‌های متعدی یک مفعولی^۱ (دارای یک موضوع عامل (A) و یک موضوع کنش‌پذیر^۲ (P)) اغلب با ساخت‌های لازم (دارای یک موضوع (S)) مقایسه می‌شوند و از این طریق، طبقه‌بندی سه نوع انطباق اصلی حاصل می‌شود: انطباق مفعولی (A) می‌شود $P \neq S = A$ ، انطباق کنایی $(P = S \neq A)$ ، انطباق خنثی $(P = S = A)$. از دهه ۱۹۸۰، این رویکرد به مطالعه ساخت‌های دو مفعولی بسط و گسترش یافت. از جمله این تحقیقات می‌توان به درایر (۱۹۸۶)، کرافت (۱۹۹۰)، سیورسکا (۲۰۰۳) و هسپلمت (۲۰۰۵ و ۲۰۱۳) اشاره کرد. انواع انطباق پایه در ساخت‌های دو مفعولی که در قالب نحوه نشان‌دادن کنش‌رو و بهره‌ور در ساخت دو مفعولی در مقایسه با کنش‌پذیر در ساخت متعدی مطرح شده‌اند عبارتند از:

الف) انطباق مفعول غیرمستقیم^۳ یا به طور خلاصه انطباق غیرمستقیم که در آن بهره‌ور متفاوت از کنش‌رو و کنش‌پذیر تلقی می‌شود $(R \neq P = T)$. این ساخت‌ها را ساخت غیرصریح یا بهره‌وری^۴ نیز می‌نامند.

ب) انطباق مفعول ثانویه^۵ یا به طور خلاصه انطباق ثانویه که در آن کنش‌رو متفاوت از کنش‌پذیر و بهره‌ور تلقی می‌شود $(R = P \neq T)$. این ساخت‌ها را ساخت مفعول اولیه^۶ نیز می‌نامند.

ج) انطباق خنثی^۷ که در آن کنش‌رو، کنش‌پذیر و بهره‌ور به نحو یکسانی نشان داده

- 1- monotransitive constructions
- 2- patient
- 3- indirect object alignment
- 4- dative constructions
- 5- secondary object alignment
- 6- primary object constructions
- 7- neutral alignment

می‌شوند ($R = P = T$). این ساخت‌ها را ساخت مفعول دوگانه^۱ نیز می‌نامند. این سه نوع انطباق، رایج‌ترین انواع انطباق در ساخت‌های دومفعولی هستند و با اصول نقش‌گرای اقتصاد و تمایزپذیری که به طور کلی برای حالت‌نمایی وجود دارد همسو هستند. دیگر الگوهای ممکن عبارتند از: الگوی انطباق سه‌گانه^۲ که در آن کنش‌رو و بهره‌ور متفاوت از کنش‌پذیر و متفاوت از یکدیگر هستند و الگوی انطباق افقی^۳ که در آن کنش‌رو و بهره‌ور به نحوی یکسان و متفاوت از کنش‌پذیر تلقی می‌شوند. انطباق سه‌گانه اقتصادی نیست و در میان زبان‌های جهان نادر است. انطباق افقی نیز غیراقتصادی است و نمی‌تواند به طور دقیق دو نقش نیازمند به تمایز را از هم مشخص کند و این الگو نادرتر از انطباق سه‌گانه می‌باشد (مالچوکو، هسپلمت و کامری ۲۰۱۰: ۳-۶).

گرچه انواع انطباق اغلب در مورد کل زبان‌ها مطرح می‌شوند، در واقع این انواع در ساخت‌های خاصی به کار می‌روند. غالب‌ترین این ساخت‌ها حالت‌نمایی یا نشان‌دادن با استفاده از حروف اضافه و مطابقه^۴ یا ارجاع متقابل^۵ شخص و شمار می‌باشند. شیوه دیگر نشان‌دادن موضوع‌ها از طریق توالی کلمات است.

در این بخش، ساخت‌های دومفعولی و شیوه‌های اصلی نشان‌دادن موضوع‌ها در این ساخت‌ها معرفی شدند. در بخش بعد به بررسی داده‌های گویش اشتهاردی می‌پردازیم تا شیوه(های) نشان‌دادن موضوع‌ها در این ساخت‌ها را دریابیم.

۳. تحلیل داده‌ها

۳-۱. گویش اشتهاردی

گویش اشتهاردی هم‌اکنون در شهرستان اشتهارد و روستاهای اطراف آن رواج دارد. اشتهارد یکی از شهرهای استان البرز است و بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت است. اشتهاردی یکی از گویش‌های زبان تاتی است که خود در گروه شمال غربی از زبان‌های ایرانی قرار می‌گیرد. به باور یارشاطر (۱۹۶۹- الف)، تاتی به زبان یا لهجه خاصی اشاره ندارد و واژه تات به مردمی در منطقه مرکزی ایران اطلاق می‌شود که به زبان‌های ایرانی تکلم می‌کنند. گویش‌های مختلف زبان تاتی بسیاری از ویژگی‌های کهن

1- double object constructions
2- tripartite alignment
3- horizontal alignment
4- agreement
5- cross-referencing

زبان‌های ایرانی از جمله ساخت کنایی، تمایز جنس دستوری و مطابقه مفعولی را به درجات متفاوت حفظ کرده‌اند. یارشاطر (۱۹۶۹ - الف) گویش اشتهاردی را در کنار گویش‌های تاتی منطقه رامند در جنوب غربی قزوین (از جمله تاکستان، چال، اسفرورین، خیارج، دانشفهان، ابراهیم‌آباد و سگزآباد) در یک گروه قرار داد و آن را تاتی جنوبی نامید. در تاتی جنوبی تقابل جنسیت (مذکر و مونث) و شمار (مفرد و جمع) وجود دارد و نظام حالت دوتایی است یعنی بین حالت مستقیم^۱ و غیرمستقیم^۲ تفاوت وجود دارد. حالت غیرمستقیم شامل حالت مفعولی در جملات دارای زمان حال، اضافی و حالت کنایی در جملات دارای زمان گذشته می‌شود. با وجود تفاوت‌های نحوی و اژگانی در میان گویش‌های تاتی جنوبی، گویشوران این گروه در بیشتر موارد قادر به درک گویش یکدیگر و برقراری ارتباط با گویشوران دیگر گونه‌های تاتی جنوبی هستند. از آنجا که زبان تاتی به طور کلی و گروه تاتی جنوبی به طور خاص، گونه‌ها و لهجه‌های متنوعی دارد، در تحقیق کنونی از میان گویش‌های مختلف تاتی، گویش اشتهاردی به علت حفظ

ویژگی‌های کهن از جمله ساخت کنایی و دسترسی به گویش‌وران آن انتخاب شد. از جمله تحقیقاتی که تاکنون در مورد گویش اشتهاردی انجام گرفته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یارشاطر (۱۹۶۲) به معرفی مقدماتی گویش‌های تاتی منطقه رامند و اشتهاردی پرداخته است. یارشاطر (۱۹۶۹ - الف) به مطالعه دستور توصیفی و مشروح گویش‌های تاتی جنوبی از جمله اشتهاردی پرداخت. بیشتر این گویش‌ها برای نخستین بار ضبط و بررسی می‌شدند. یارشاطر (۱۹۶۹ - ب) تمایز جنس دستوری مونث و یارشاطر (۱۹۶۹ - ج) کاربرد حروف اضافه پسین را در گویش‌های تاتی جنوبی از جمله اشتهاردی بررسی کرده است. نخعی (۱۳۴۴) به بررسی جوانب مختلفی از گویش اشتهاردی و نخعی (۱۳۵۰) به بررسی جنس مذکر و مونث در گویش اشتهاردی پرداخته است. حسینی زنجانی‌نژاد (۱۳۸۹) ساخت فعل را در گویش تاتی اشتهاردی بررسی کرده است و پارسانسب (۱۳۹۰) به بررسی و مقایسه ویژگی‌های آوایی گویش تاتی اشتهاردی با فارسی تهرانی پرداخته است. ایزدی‌فر (۱۳۹۱) عوامل تاثیرگذار بر مطابقه مفعولی در تاتی اشتهاردی را بررسی کرده است.

۳-۲ ویژگی‌های دستوری گویش اشتهاردی

اسم‌ها و ضمائر اشتهاردی دارای دو حالت مستقیم و غیرمستقیم و دو شمار مفرد و جمع می‌باشند. نشانه‌های حالت اسم‌ها در جدول (۱) و حالت‌های مختلف ضمائر در جدول (۲) نشان داده شده‌اند.

جدول ۱. نشانه‌های حالت اسم‌ها در اشتهاردی (یارشاطر ۱۹۶۹: ۷۹)

جمع	مفرد	
مستقیم -chā	Ø	مذکر
غیرمستقیم -ùn	-e	مونث
	-a	مذکر
	-ā	مونث

جدول ۲. ضمائر اشتهاردی (یارشاطر ۱۹۶۹: ۱۴۷-۱۵۳)

واژه‌بست	حالت غیرمستقیم	حالت مستقیم	شمار / شخص
=m	čemen	az	اول شخص مفرد
=i	eštà	tö	دوم شخص مفرد
=š	ji	a	سوم شخص مفرد مذکر
=š	juā	ā	سوم شخص مفرد مونث
=mun	čamā	čamā	اول شخص جمع
=yun	šemā	šemā	دوم شخص جمع
=šun	jiun	āhā	سوم شخص جمع

تمایز جنس مونث در اسم‌ها، ضمائر، صفت‌ها، صفت‌های اشاره، حروف ربط و فعل‌ها نشان داده می‌شود (یارشاطر ۱۹۶۹-ب، نخعی ۱۳۵۰، باربرا ۲۰۰۱). برای مثال (نخعی ۱۳۵۰: ۳۲۷):

1) a. nā vela āl i.
است (ث) قرمز گل این(ث)

این گل قرمز است.

b. na šavi āl a.
است (ذ) قرمز پیراهن این (ذ)

این پیراهن قرمز است.
 تکیه در اشتهااردی حائز اهمیت است. تکیه اسم‌های مذکر بر هجای آخر است همچون mardâ (مرد)، furâ (پسر)، zumâ (داماد). اسم‌های مونث به واکه a- ختم می‌شوند و تکیه آنها بر هجای ماقبل آخر قرار می‌گیرد همچون zèna (زن در مقابل شوهر)، zeniya (زن در مقابل مرد)، tetiya (دختر)، xâka (خواهر)، vâya (عروس) (نخعی ۱۳۵۰: ۳۱۶). از این رو تکیه در این گویش از نقش متمایزکننده و مهمی برخوردار است، برای مثال تنها تفاوت اسم مذکر jingâ (گوساله نر دوساله) با اسم مونث jinga (گل آفتابگردان) و یا اسم مذکر mivâ (میوه) با اسم مونث miva (مو، تاک) و بسیاری موارد مشابه در محل تکیه آنها است (همو: ۳۱۶-۳۱۷).

۳-۳. انطباق در گویش اشتهااردی

انطباق حساس به زمان در اشتهااردی تا حد زیادی حفظ شده است. یارشاطر (۱۹۶۹-الف: ۷۴) نظام انطباق اشتهااردی را نظام پایه در میان گویش‌های تاتی جنوبی می‌داند که به درجات مختلف در گویش‌های دیگر این گروه تضعیف شده است.

۳-۳-۱. انطباق در زمان حال / غیرکامل

در اشتهااردی در جمله‌های حاوی فعل ساخته‌شده با ستاک حال از نظام انطباق فاعلی - مفعولی پیروی می‌شود. در این جمله‌ها، فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی با نشانه حالت مستقیم نشان داده می‌شوند و مفعول فعل متعدی در صورت معرفه‌بودن، نشانه حالت غیرمستقیم را دریافت می‌کند. مطابقت فعل با فاعل جمله لازم و متعدی به لحاظ شخص و شمار و در مورد اسم‌های سوم شخص مفرد به لحاظ جنس رخ می‌دهد. در جمله (۳-الف) فاعل فعل لازم مذکر و در جمله (۳-ب) مونث است.

- 2) a. ahmad alân madresa da miyay kardara kiya.
 خانه استمرار (ذ) می‌آید از مدرسه الان احمد (مس)

احمد الان دارد از مدرسه به خانه می‌آید.

- b. zaynaba alân madresa da miyay kardari kiya.
 خانه استمرار (ث) می‌آید از مدرسه الان زینب (مس)

زینب الان دارد از مدرسه به خانه می‌آید.

در جمله (۴-الف) فاعل فعل متعدی مذکر و در (۴-ب) مونث است.

- 3) a. hasan hama ruza maryamâ madresa da emvina.

می‌بیند در مدرسه مریم (غ مس) روز همه حسن (مس)
حسن هر روز مریم را در مدرسه می‌بیند.

b. maryama hama ruza hasan-e madresa da emvina.

می‌بیند در مدرسه غ مس - حسن روز همه مریم (مس)
مریم هر روز حسن را در مدرسه می‌بیند.

همانطور که جملات (۳) و (۴) نشان می‌دهد، فاعل جملات لازم و متعدی با حالت مستقیم و مفعول یا به عبارت دیگر، کنش‌پذیر در صورت معرفه‌بودن با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شود و حالت‌نمایی اشتهاردی در زمان حال از نظام فاعلی - مفعولی پیروی می‌کند. مطابقت فعل نیز در این جملات با فاعل فعل لازم و متعدی رخ می‌دهد. از آنجا که مفعول‌نمایی اشتهاردی به صورت افتراقی می‌باشد تنها مفعول‌های معرفه با نشانه حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شوند و مفعول‌های نکره به صورت بی‌نشان و با حالت مستقیم نشان داده می‌شوند.

۲-۳-۳- انطباق در زمان گذشته / کامل

در جملات دارای فعل زمان گذشته، فاعل فعل لازم و مفعول فعل متعدی با حالت‌نمای مستقیم نشان داده می‌شوند و حالت‌نمای غیرمستقیم در کنار فاعل فعل متعدی قرار می‌گیرد تا حالت آن را نشان دهد. از این رو، نظام انطباق در این جملات از نوع کنایی - مطلق می‌باشد. پی‌بست‌های غیرفاعلی در صورت وجود فاعل آشکار در جمله به صورت اختیاری به عناصر مختلف جمله متصل می‌شوند و در صورت عدم حضور فاعل آشکار در جمله، کاربرد این پی‌بست‌ها اجباری می‌شود. مطابقت فعل با فاعل جمله لازم به لحاظ شخص و شمار و در مورد اسم‌های سوم‌شخص مفرد به لحاظ جنس رخ می‌دهد (برای بحث مطابقت مفعولی در اشتهاردی رک. یارشاطر ۱۹۶۹- الف ۲۳۷، ایزدی فر ۱۳۹۱). در جمله (۵- الف) فاعل فعل لازم مذکر و در جمله (۵- ب) مونث است. فاعل هر دو جمله با حالت مستقیم نشان داده شده و با فعل مطابقت دارد.

4) a. ahmad azira beymo čamā kiya.
(مس) احمد دیروز (ملکی) آمد (ذ)

احمد دیروز به خانه ما آمد.

b. zeynaba azira beymiya čamā kiya.
(مس) زینب دیروز (ملکی) آمد (ث)

زینب دیروز به خانه ما آمد.

در جمله (۶ - الف) فاعل فعل متعدی مذکر و در (۶ - ب) مونث هستند و با حالت‌نمای غیرمستقیم نشان داده شده‌اند. در مقابل، مفعول این جمله‌ها دارای حالت‌نمای مستقیم هستند که برای اسم‌های مذکر، صفر و برای اسم‌های مونث a- می‌باشد. فعل در هر دو جمله به صورت سوم شخص مفرد است و با مفعول مطابقت دارد.

5) a. hasan-e azira mamuni da ahmad buind.
 دید احمد (مس) در مهمانی دیروز حسن - مس (حس)

حسن دیروز در مهمانی احمد را دید.

b. maryamā azira mamuni da zeynaba buind.
 دید زینب (مس) در مهمانی دیروز مریم (غ مس)

مریم دیروز در مهمانی زینب را دید.

جملات (۶) نشان می‌دهند که در زمان گذشته، فاعل جمله متعدی با حالت غیرمستقیم و فاعل جمله لازم و مفعول جمله متعدی با حالت مستقیم نشان داده می‌شوند. در این جملات، فعل تنها با مفعول انسان به لحاظ شخص، شمار و جنس مطابقت دارد و مطابقت با مفعول جاندار به صورت اختیاری ممکن است رعایت شود و با مفعول بیجان مطابقت ندارد و فعل به صورت سوم شخص مفرد باقی می‌ماند (یارشاطر ۱۹۶۹ - الف: ۲۳۷).

۳-۳-۳ انطباق ساخت‌های دومفعولی در زمان حال

در جملات دارای فعل زمان حال، فاعل فعل متعدی و فاعل فعل دومفعولی با حالت مستقیم نشان داده می‌شود. در صورت معرفی بودن کنش‌پذیر و کنش‌رو، هر سه موضوع کنش‌پذیر، کنش‌رو و بهره‌ور با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شوند. برای مثال:

6) a. hasan hama ruza ge-un embare čarā.
 چرا می‌برد جمع (غ مس) - گاو روز همه حسن (مس)

حسن هر روز گاوها را به چرا می‌برد.

b. az semar-un ge-un amidam.
 می‌دهم جمع (غ مس) - گاو جمع (غ مس) - کاه من (مس)

من کاه‌ها را به گاوها می‌دهم.

چنانچه کنش‌پذیر یا کنش‌رو نکره یا عام باشند، با حالت مستقیم نشان داده می‌شوند اما بهره‌ور در حالت غیرمستقیم است:

7) a. maryama hama ruza zeynabā pul amidi.
 می‌دهد پول (مس) زینب (غ مس) روز همه مریم (مس)

مریم هر روز به زینب پول می‌دهد.

جملات (۷) و (۸) نشان می‌دهند که انطباق دومفعولی اشتهاردی در جملات دارای زمان حال با کنش‌پذیر و کنش‌رو معرفه از نوع خنثی یا مفعول دوگانه می‌باشد و هر سه موضوع کنش‌پذیر، کنش‌رو و بهره‌ور به نحو یکسان و با حالت غیرمستقیم ($R = P = T$) نشان داده می‌شوند. در صورتی که کنش‌پذیر و کنش‌رو نکره باشند، این اسم‌ها با حالت مستقیم نشان داده می‌شوند و نشانه متفاوت از بهره‌ور خواهند داشت و از انطباق غیرمستقیم یا غیرصریح که انطباق بهره‌وری نیز نامیده می‌شود استفاده می‌کنند.

۳-۳-۴. انطباق ساخت‌های دومفعولی در زمان گذشته

در جملات دارای فعل زمان گذشته، فاعل فعل متعدی و فاعل فعل دومفعولی با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شود. موضوع‌های کنش‌پذیر و کنش‌رو با حالت مستقیم نشان داده می‌شوند و موضوع بهره‌ور دارای حالت غیرمستقیم است. هر سه این موضوع‌ها قبل از فعل هستند و بهره‌ور و کنش‌رو می‌توانند قبل یا بعد از یکدیگر قرار گیرند. برای مثال:

8) a. azira čemen ketāb-hā bexund.

خواند جمع (مس) - کتاب من (غ مس) دیروز

دیروز کتاب‌ها را خواندم.

b. hasan-e semar-ahā ge-un=eš

dā.

سوم شخص = جمع (غ مس) - گاو جمع (مس) - کاه غ مس - حسن

داد مفرد

حسن کاه‌ها را به گاوها داد.

c. āruza na hediye-ha=šun čemen

dā.

من (غ) سوم شخص جمع = جمع (مس) - هدیه این (مس. ذ) امروز

داد (مس)

آنها امروز این هدیه‌ها را به من دادند.

d. maryamā azira a pul zeynabā dā.

داد زینب (غ مس) پول (مس) آن (مس. ذ) دیروز مریم (غ مس)

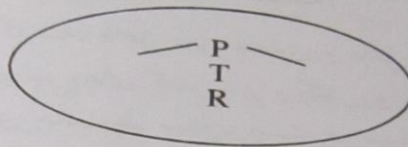
مریم دیروز آن پول را به زینب داد.

جملات (۹) نشان می‌دهند که انطباق دومفعولی اشتهاردی در زمان گذشته بر اساس انطباق

مفعول غیرمستقیم یا غیرصریح یا بهره‌وری می‌باشد و رفتار اشتهاردی با کنش‌پذیر و کنش‌رو متفاوت از بهره‌ور است ($R \neq P = T$).

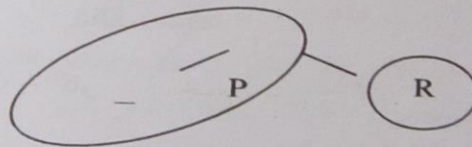
۴. نتیجه

بررسی داده‌های اشتهاردی نشان می‌دهد که رایج‌ترین فعل دومفعولی در اشتهاردی فعل "دادن" است. در جملات دارای فعل زمان حال، در صورت معرفی‌بودن کنش‌پذیر و کنش‌رو، هر سه موضوع کنش‌پذیر، کنش‌رو و بهره‌ور به صورت یکسان با حالت‌نمای غیرمستقیم نشان داده می‌شوند. این انطباق در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱. انطباق دومفعولی در جملات دارای فعل زمان حال

در جملات دارای فعل زمان گذشته، کنش‌پذیر و کنش‌رو به نحوی متفاوت از بهره‌ور تلقی شده و نشان داده می‌شوند. این انطباق در نمودار (۲) نشان داده شده است.



نمودار ۲. انطباق دومفعولی در جملات دارای فعل زمان گذشته

جدول اختصارات مورد استفاده:

NOM	فاعلی	مونث	ث
ACC	مفعولی	مذکر	ذ
GEN	اضافی	غیرمستقیم	غ مس
		مستقیم	مس

منابع

- ایزدی‌فر، ر. (۱۳۹۱). عوامل تاثیرگذار بر مطابقه مفعولی در زبان تاتی اشتهاردی. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان و زبان‌شناسی، به کوشش عطاالله کوپال، شهرام مدرس خیابانی و جواد یعقوبی درابی، ج ۱، تهران: نشر نویسه پارس. ۴۷-۵۸.
- پارس‌نسب، م. (۱۳۹۰). توصیف آوایی گویش تاتی اشتهاردی. مطالعات زبانی بلاغی. ۲(۴)، ۳۵-۵۰.
- حسینی زنجانی‌نژاد، ح. (۱۳۸۹). بررسی ساخت فعل در گویش تاتی اشتهاردی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، به راهنمایی دکتر مجتبی منشی‌زاده، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مویدی، م. و لطفی، ا. ر. (۱۳۹۲). بررسی ساخت دومفعولی در متون ادب فارسی، مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی. ۵(۱)، ۱۰۱-۱۱۹.
- نخعی، ح. (۱۳۴۴). بررسی در گویش اشتهارد، پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی، به راهنمایی دکتر محمد مقدم، دانشگاه تهران.
- _____. (۱۳۵۰). مذکر و مؤنث در گویش اشتهارد و گویش‌های تاتی مرکزی ایران. مجموعه مقالات اولین کنگره تحقیقات ایرانی. به کوشش م. بختیاری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۳۱۳-۳۲۸.
- واعظی، ه. (۱۳۹۳). افعال دومفعولی در زبان فارسی: تعامل میان نحو و کلام، جستارهای زبانی. ۵(۵)، پیاپی ۲۱، ۱-۲۴.
- Barbera, G. (2001). Exploring Grammatical Gender in New Iranian Languages and Dialects: An Overview with some Typological Considerations. In Rezai Baghbidi (ed.). *The Proceedings of the First Seminar of Iranian Dialectology*, 1- 19.
- Croft, W. (1990). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dryer, M. S. (1986). Primary objects, secondary objects, and antitative. *Language* 62, 808-845.
- Haspelmath, M. (2005). Argument marking in ditransitive alignment types. *Linguistic Discovery* 3(1), 1-21 (Available online at <http://linguistic-discovery.dartmouth.edu/>).
- _____. (2013). Ditransitive Constructions: The Verb 'Give'. In Dryer, M. S. & Haspelmath, Martin (eds.). *The World Atlas of Language Structures Online*. Leipzig: Max Planck Institute for Evolutionary

- Anthropology. (Available online at <http://wals.info/chapter/105>, Accessed on 2014-08-23).
- Malchukov, A., Haspelmath, M. & Comrie, B. (2010). Ditransitive constructions: a typological overview. In A. Malchukov, M. Haspelmath, B. Comrie (eds.), *Studies in Ditransitive Constructions: A Comparative Handbook*, Berlin: De Gruyter Mouton, 1-64.
- Siewierska, A. (2003). Person agreement and the determination of alignment. *Transactions of the Philological Society*, 101(2), 339-370.
- Stilo, D. L. (1981). The Tati language group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran and Transcaucasia. *Iranian Studies*. Boston: Society for Iranian Studies. Volume XIV, 137-187.
- _____. (2009). Case in Iranian. in A. Malchukov & A. Spencer (eds.), *The Oxford Handbook of Case*, Oxford: Oxford University Press, 700-715.
- _____. (2010). Ditransitive constructions in Vafsi: a corpus-based study. In A. Malchukov, M. Haspelmath, B. Comrie (eds.), *Studies in Ditransitive Constructions: A Comparative Handbook*, Berlin: De Gruyter Mouton, 243- 276.
- Yar-shater, E. (1962). The Tati Dialects of Ramand. In W. B. Henning and E. Yarshater (eds.), *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Tagizadeh*. London, 240-5.
- _____. (1969-a). *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague and Paris: Mouton.
- _____. (1969-b). Distinction of the Feminine Gender in Southern Tati. In *Studia classica et orientalia Antonino Pagliaro oblate*. III. Roma, 281- 301.
- _____. (1969-c). The Use of Postpositions in Southern Tati. *V. Minorsky Memorial Volume*. Tehran University Press, 221-55.